

تحلیل بزه توهین عملی و بزه ایراد ضرب عمدی بدون ایجاد اثر، در پرتو نقد رأی

امیررضا قانع^۱

چکیده

با نگرشی بر ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵؛ در ابتدای امر، این مهم حاصل می‌گردد که توهین صرفاً از طریق استفاده و استعمال الفاظ رکیک صورت می‌پذیرد. بی‌شک، این برداشت صحیح می‌باشد. اما آنچه تا حدودی موجب سردرگمی است، مواردی است که افراد با ارتکاب اعمال و رفتاری نظیر سیلی زدن، موجب تحقیر طرف مقابل شده و بر این اساس شکایتی تحت عنوان بزه توهین در دادسرا مطرح می‌گردد. اختلاف در این موضوع، درست زمانی صورت می‌گیرد که محاکم با در نظر گرفتن شرایط و اوضاع و احوال قضیه و اثبات مدعا، قصد محکوم نمودن مرتکب را دارند. به بیان دیگر، با سبوری در پرونده‌های مطروحه با این عناوین، آنچه که ملاحظه می‌گردد، اختلاف نظر در شیوه استناددهی در متن آراء است، بدین معنی که برخی از قضات محترم، موضوع را از موارد شمول ماده فوق‌الذکر می‌دانند و بر این اساس فرد را محکوم می‌کنند، لکن عده‌ای از ایشان، نظر دیگری داشته و مستنداً به ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، حکم محکومیت افراد را صادر می‌نمایند. به نظر می‌رسد که اولاً، استناد صرف به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی بدون در نظر داشتن مقررات موجود در قانون استفساریه مصوب سال ۱۳۷۹، ناصحیح می‌باشد و ثانیاً، در موارد برخورد با این‌گونه پرونده‌ها، با عنایت به مقررات مربوط به تعدد معنوی و اعمال

۱. کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم‌شناسی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری

ماده ۱۳۱ قانون مذکور و با در نظر داشتن شرایط موجود در ماده، می‌توان صرفاً به ماده ۶۰۸ (از باب مجازات اشد) استناد نمود.

واژگان کلیدی: توهین عملی، ضرب عمدی بدون ایجاد اثر، قصد مجرمانه، تعدد

معنوی



بدون شک، حیثیت معنوی اشخاص و توجه به آن در هر جامعه از اهمیت والایی برخوردار بوده، و بر همین اساس، از سوی قانون‌گذار به جهت صیانت از این حیثیت، قوانینی پیش‌بینی شده و سعی در جرم‌انگاری مصادیق متعدد فعل مزبور شده است. امروزه بخش قابل توجهی از پرونده‌های موجود در محاکم به‌ویژه در مرحله دادسرا، بزه توهین و تعرض به حیثیت معنوی افراد تشکیل می‌دهد. صرف‌نظر از این‌که ممکن است اغلب این شکایات غیرواقعی و واهی باشد، لکن از اهمیت موضوع بحث نمی‌کاهد. تردیدی نیست که قوانین موضوعه (عام و خاص)، به دنبال جرم‌انگاری اکثر مواردی بوده که به نوعی بتواند رفتارهای خلاف شأن و حیثیت معنوی اشخاص را شامل شود، لکن، کلی‌گویی برخی مواد و همچنین اطلاق در بعضی از کلمات و جملات به‌کاررفته از سوی قوه قانون‌گذاری، در برخی موارد، موجبات بروز اختلاف نظر قضایی را فراهم می‌آورد. این اختلاف نظر از آن‌جا حائز اهمیت است که در برخی موارد در صورتی‌که به نحو صحیح و کامل به موضوع دقت نگردد و همچنین عنوان صحیح بزه ارتكابی از سوی قضات محترم یافت نشود؛ چه‌بسا افرادی بی‌جهت محکوم به تحمل مجازاتی افزون بر مجازات اصلی خود می‌شوند. جرم توهین علاوه بر آن‌که از منظر اجتماع و همچنین از نظر حقوقی و قوانین موضوعه امری ناپسند بوده و مرتکب آن نیز به نوعی فرد ناسازگار با جامعه تلقی می‌شود، لذا از نظر اخلاقی و مذهبی نیز مذموم شمرده شده است. در این پژوهش، پس از ذکر خلاصه‌ای از جریان پرونده و متن آراء

صادره از سوی محاکم کیفری تهران (بدوی و تجدیدنظر) و بررسی آن، به دنبال یافتن پاسخ‌های مناسبی برای این سؤالات می‌باشیم که اولاً، در برخورد با پرونده‌های مشابه آیا می‌توان صرفاً به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ استناد نمود؟ و ثانیاً، در فرض پاسخ مثبت به سؤال قبل از چه طریقی می‌بایست به ماده مذکور استناد گردد؟

۱. خلاصه جریان پرونده

در پرونده مورد بررسی، بدو، آقای ش.ش با مراجعه به دادسرا شکایتی را علیه خانم ف.ب، تحت عنوان توهین (از طریق سیلی زدن)، مطرح نموده‌اند. شکایت مذکور پس از طی نمودن مراحل تحقیقات مقدماتی، در نهایت به موجب کیفرخواست دادستان، به دادگاه ارسال می‌گردد. پس از وصول پرونده به دادگاه و ارجاع آن به شعبه ۱۰۷۸ دادگاه عمومی جزایی تهران، رئیس محترم دادگاه، پس از تشکیل جلسه و استماع اظهارات طرفین و با عنایت به اقرار متهمه، در نهایت ایشان را مستنداً به ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، به پرداخت پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می‌نمایند. در ادامه، متهمه در فرجه مقرر قانونی، نسبت به رأی مذکور تجدیدنظرخواهی نموده و بر همین اساس پرونده به شعبه ۲۲ دادگاه تجدیدنظر استان تهران، ارجاع می‌گردد. قضات محترم دادگاه تجدیدنظر، پس از بررسی پرونده، در نهایت با این توضیح که «هرچند تجدیدنظرخواه دفاع مؤثری که نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را ایجاب نماید به عمل نیاورده است لکن با توجه به این که عمل ارتكابی تجدیدنظرخواه از مصادیق توهین نمی‌باشد زیرا عنصر

مادی بزه توهین با لفظ تحقق می‌گردد و رفتار و اعمالی که با لفظ نباشد از مصادیق توهین نمی‌باشد و با توجه به این که تجدیدنظر خواه اقرار به زدن سیلی به تجدیدنظر خوانده دارد و این اقدام وی آثاری را برجای نگذاشته است، لذا عمل وی مشمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده و عنوان مجرمانه وی ایراد ضرب عمدی فاقد آثار و آسیب و عیب بدنی می‌باشد». لذا بر همین اساس نامبرده را به پرداخت سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق محکوم نموده‌اند.

۲. متن رأی بدوی و تجدیدنظر^۱

متن رأی بدوی

«در خصوص اتهام متهمه به نام ف.ب. فرزند الف. دایر به توهین (زدن سیلی) موضوع شکایت ش.ش.؛ دادگاه با توجه به اقرار متهمه در جلسه دادگاه و دفاع بلاوجه و غیر مؤثر متهمه و کیفرخواست صادره بزه‌کاریش محرز، مستنداً به ماده ۶۰۸ قانون ۱۳۷۵ متهمه را به پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق دولت محکوم می‌نماید. رأی صادره در مدت بیست روز قابل تجدیدنظر در استان تهران می‌باشد».

متن رأی تجدیدنظر

«در خصوص تجدیدنظر خواهی خانم ف.ب. فرزند الف. نسبت به دادنامه شماره ۹۲۰۱۲۷۰ مورخ ۱۳۹۲/۱۲/۱۱ صادره از شعبه ۱۰۷۸ دادگاه عمومی جزایی تهران که به موجب آن تجدیدنظر خواه به اتهام ارتکاب بزه توهین (زدن سیلی) نسبت به آقای ش.ش. مجرم شناخته شده و به پرداخت مبلغ پانصد هزار ریال جزای نقدی در حق

۱. گزارش با به‌کارگیری برخی نشانه‌های نگارشی و سجاوندی و رأی عیناً از بانک آراء قوه

صندوق دولت محکوم شده است هر چند تجدیدنظرخواه دفاع مؤثری که نقض دادنامه تجدیدنظرخواسته را ایجاب نماید به عمل نیاورده است لکن با توجه به این که عمل ارتكابی تجدیدنظرخواه از مصادیق توهین نمی باشد زیرا عنصر مادی بزه توهین با لفظ محقق می گردد و رفتار و اعمالی که با لفظ نباشد از مصادیق توهین نمی باشند و با توجه به این که تجدیدنظرخواه اقرار به زدن سیلی به تجدیدنظرخوانده دارد و این اقدام وی آثاری را برجای نگذاشته است، لذا عمل وی مشمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ بوده و عنوان مجرمانه وی ایراد ضرب عمدی فاقد آثار و آسیب و عیب بدنی می باشد، بنابراین به استناد ماده ۲۵۰ قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری و مواد ۵۶۷ و ۱۹ از قانون مجازات اسلامی با اصلاح عنوان مجرمانه از توهین به ایراد ضرب عمدی فاقد آثار و آسیب و عیب بدنی و اصلاح مجازات از پنجاه هزار ریال جزای نقدی به تحمل ۲۰ ضربه شلاق تعزیری به استناد بند ت ماده ۳۷ ناظر به بند ت ماده ۳۸ از قانون مجازات اسلامی به لحاظ وضعیت خاص متهم و جوانی وی و اقرار وی در تمام مراحل، به پرداخت مبلغ سه میلیون ریال جزای نقدی بدل از شلاق تبدیل می گردد و ضمن رد تجدیدنظرخواهی تجدیدنظرخواه دادنامه تجدیدنظرخواسته به کیفیت اصلاحی تأیید می گردد. رأی صادره قطعی است».

۳. نقد و بررسی

۱.۳. تعریف توهین

بزه توهین، یکی از جرایم علیه شخصیت معنوی اشخاص محسوب می - گردد، که در فصل پانزدهم قانون مجازات اسلامی بخش تعزیرات مصوب سال ۱۳۷۵، تحت عنوان «هتک حرمت اشخاص» مورد اشاره قرار گرفته است (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۴۷۹). توهین در لغت از ریشه «وهن» و به معنی سست کردن، ضعیف کردن و خوار و خفیف کردن است (عمید، ج ۱: ۶۴۳). در اصطلاح به هر رفتاری (اعم از فعل، گفتار، اشاره یا نوشتار)، دلالت دارد که

بتواند به نحوی موجب وهن حیثیت کسی در نظر افراد متعارف و معمولی جامعه شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۳: ۴۷۹). از نظر مرحوم استاد پاد «واژه وهن، به فتح اول برای سستی وضع شده است و توهین، سست گردانیدن را گویند و در اصطلاح حقوقی مراد از اهانت و توهین معانی عرفی آنها می‌باشد. در این معنی توهین عبارت است از هر فعل یا ترک فعل اعم از گفتار و رفتار و کتابت و اشاره که به نحوی از انحاء در حیثیت و شرافت متضرر از جرم وهن وارد آورد. از این رو می‌توان هتک حرمت را به یک تعبیر، نتیجه حاصل از توهین دانست. توهین در معنای اخص عبارت است از نسبت دادن هر امر وهن آور اعم از دروغ یا راست به هر وسیله و طریقه‌ای که باشد و یا انجام هر فعل یا ترک فعلی که در نظر عرف و عادت موجب کسر شأن و یا باعث تخفیف و پست شدن طرف گردد» (پاد، ۱۳۴۸: ۲۴۲-۲۴۳). دکتر آقایی‌نیا درخصوص تعریف مذکور بیان می‌دارند: «تعریف مزبور که با الهام از قانون مجازات عمومی و آیین‌نامه امور خلافی و با دقت تدوین شده، به‌رغم منسوخ بودن منابع آن و تفاوت‌های موجود میان قانون مجازات اسلامی با آنها، هنوز قابل استناد است و با استمداد از آن و لحاظ مطلق بودن جرم توهین در قوانین جاری و عدم ضرورت اشاره به مصادیق رفتار یا وسیله و با اندکی اغماض می‌توان گفت جرم توهین عبارت است از رفتار عمدی خلاف قانون که به‌موجب عرف نسبت به طرف، موهن باشد» (آقایی‌نیا، ۱۳۹۶: ۲۳).

۲.۳. معنا و مفهوم اهانت و هتک حرمت در قوانین موضوعه

علاوه‌بر آن‌که در قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، لفظ توهین و اهانت به نحو مطلق قید گردیده، در برخی قوانین خاص نیز بدان پرداخته شده است. لکن در هیچ‌یک از موارد مزبور تعریفی از سوی

قانون گذار از لفظ مطروحه ارائه نشده است. همین امر موجب شد تا در سال ۱۳۷۹ از سوی مجلس شورای اسلامی، قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا هتک حرمت که در غالب ماده واحده می باشد تصویب گردد. قانون مذکور به شرح ذیل می باشد.

موضوع استفسار:

ماده واحده - آیا منظور از عبارت (اهانت ، توهین و یا هتک حرمت) مندرج در مقررات جزائی از جمله مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸)، (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات عبارت است از به کار بردن الفاظی که دلالت صریح بر فحاشی و سب و لعن دارد یا خیر؟ و در صورت عدم صراحت مطلب و انکار متهم بر قصد اهانت و هتک حرمت آیا موضوع از مصادیق مواد مورد ذکر می باشد یا خیر؟

نظر مجلس :

«از نظر مقررات کیفری اهانت و توهین و ... عبارت است از به کار بردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد و یا ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود و با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی گردد».

از آن جا که امروزه ملاک اصلی در الحاق یک امر به بزه مذکور رجوع به قانون فوق الذکر است. لذا بر همین اساس چند نکته حائز اهمیت است که ذیلاً بدان می پردازیم:

۱. با عنایت به قانون استفساریه، از نظر مجلس شورای اسلامی، توهین علاوه بر آن که از طریق استعمال الفاظ که صریح یا ظاهر باشد تحقق

می‌یابد، از طرف دیگر، با ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود نیز قابل تحقق است.

۲. صدر و ذیل نظر مجلس محترم نیز ممکن است در بادی امر و با نگرشی کلی و ابتدایی؛ کمی ابهام‌برانگیز باشد، بدین نحو که اولاً، در صدر نظر مذکور، مجلس محترم توهین از طریق استعمال الفاظ و ارتکاب اعمال را پذیرفته و ثانیاً، در ذیل آن، مجدداً بیان داشته است که «با عدم ظهور الفاظ توهین تلقی نمی‌گردد». حال این عبارت به کدام قسمت جمله فوق بر می‌گردد. آیا صرفاً به بخش الفاظ بر می‌خورد یا آن‌که به نحو اطلاق می‌باشد. ثمره بحث آن‌جا است که در صورتی که عبارت مذکور را صرفاً به قسمت ابتدایی نظریه مطروحه برگردانیم لذا توهین از طریق ارتکاب اعمال و رفتار نیز قابل تحقق است و از سوی دیگر در صورتی که آن را به نحو اطلاق بپذیریم، توهین صرفاً از طریق استعمال الفاظ تحقق می‌یابد.

به نظر می‌رسد، جمله مذکور صرفاً به بخش ابتدایی نظریه مجلس محترم بر می‌گردد (به کاربردن الفاظی که صریح یا ظاهر باشد)؛ چراکه اولاً، مجلس شورای اسلامی، در مقام بیان بوده و از طرفی شأن مجلس که قانون‌گذاری است این مهم را در برداشته که همه مواردی که به نحوی در شمول موضوع مذکور بوده را بیان نماید و ناقص‌گویی امری مذموم می‌باشد که خلاف شأن قوه مقننه است. ثانیاً، در صورتی که عبارت پایانی را صرفاً به بخش ابتدایی پیوند نزنیم، بدین معنی است که نگارش عبارت ارتکاب اعمال و انجام حرکاتی که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و

مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود، بیهوده می‌باشد. پس، از آن‌جا که شأن قوه قانون‌گذاری به دور از ناقص‌گویی و بیهوده‌گویی است، این مهم نیز رد می‌گردد. ثالثاً، ممکن است گفته شود که منظور از عبارت مذکور (ارتکاب اعمال و انجام حرکات)، صرفاً مواردی بوده که به لحاظ عرفیات جامعه توهین تلقی می‌گردد؛ نظیر به کار بردن برخی از انگشتان دست به جهت توهین به دیگری، هل دادن افراد و موارد مشابه از این قبیل. در پاسخ باید گفت که، نظر به این‌که مجلس محترم در ادامه عبارت مزبور قید «که با لحاظ عرفیات جامعه و با در نظر گرفتن شرایط زمانی و مکانی و موقعیت اشخاص موجب تخفیف و تحقیر آنان شود» را آورده‌اند، این مهم قابل پذیرش است، لکن از آن‌جا که امروزه از منظر عرف عام جامعه، موارد متعددی مصداق بارز عبارت مذکور است و از طرفی نظر به این‌که عبارت معنونه قید خاصی ندارد، لاجرم بایسته است مطلق حرکاتی که به لحاظ عرف جامعه و هن‌آور است را توهین تلقی کنیم که از جمله آن موارد سیلی زدن به افراد، با در نظر گرفتن شخصیت، موقعیت اجتماعی و سایر شرایط و اوضاع و احوال حاکم بر آن می‌باشد. اداره حقوقی قوه قضاییه در همین خصوص در نظریه شماره ۷/۵۳۶۶-۱۱/۳۰-۱۳۶۴ بیان داشته: «در صورتی که مرتکب شتم یا ضرب یا هر دو بر دادگاه مشخص باشد و آثار ضرب در مجنی‌علیه مشهود نباشد، اعمال ارتكابی از جهت شتم مشمول ماده ۸۶ قانون تعزیرات (۶۰۸ فعلی) است...». همین اداره در نظریه مشورتی شماره ۷/۷۳۰۰-۱۴/۱۰/۱۳۷۷ خود مقرر داشته: «ضرب بی‌نشان را نمی‌توان با این جرم (توهین) یکی دانست، مگر این‌که عرفاً توهین محسوب شود».

صرف‌نظر از موارد فوق الذکر، عده‌ای این امور را نپذیرفته و نظری

مخالف با این مباحث دارند. ایشان، بر این باورند که توهین در مصادیق به کاربردن الفاظ، کتابت، نقاشی، مونتاژ یا دستکاری در عکس یا کاریکاتور می‌باشد و با هر اقدام عملی دیگر مانند اشاره، حرکات دست و پا و ... شکل می‌گیرد. از نظر این دسته، توهین عملی ممکن است اصابتی مانند هل دادن یا لمس کردن دیگری یا غیراصابتی باشد (آقایی نیا، ۱۳۹۶: ۲۶). نکته آن‌که، این دسته از حقوق‌دانان بر این مهم باور دارند که توهین علاوه بر آن‌که از طریق استعمال الفاظ تحقق می‌یابد، به صورت عملی و در غالب امور اصابتی و غیراصابتی نیز قابل تحقق است. لکن بیان داشته‌اند که در حال حاضر نمی‌توان ایراد صدماتی را که عمدی و مستوجب قصاص یا تعزیر است، توهین در مفهوم خاص تلقی نمود (نظیر سیلی زدن)، لذا مواردی از این قبیل را در زمره شمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، می‌دانند که بیان داشته: «در مواردی که رفتار مرتکب نه موجب آسیب و عیبی در بدن گردد و نه اثری از خود در بدن برجای بگذارد ضمان متفیی است لکن در موارد عمدی در صورت عدم تصالح، مرتکب به حبس یا شلاق تعزیری درجه هفت محکوم می‌شود». این حقوق‌دانان در توضیح نظر خود بیان نموده‌اند که، مجازات مذکور در قبال رفتاری است که جنایت محسوب نمی‌شود و در عین حال، قانون‌گذار با سکوت در تعیین عنوان مجرمانه این جرم، بر این ابهام افزوده است و نمی‌توان رفتار مرتکب را توهین محسوب نمود (آقایی نیا، ۱۳۹۶: ۲۷). لذا کلی‌گویی ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ و وجود تعارض در صدر و ذیل قانون استفساریه و اطلاق در ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، موجب بروز اختلاف نظر شده است. این اختلاف نظر به حدی

است که علی‌رغم صدور آراء متعدد تحت دو عنوان متفاوت مذکور از سوی محاکم، که حاکی از اختلاف نظر قضایی ایشان است، حتی در برخی از جلسات علمی نیز موجب طرح نظرات درخصوص موضوع معنونه به صورت کلی شده است که این خود دلیلی جز موارد فوق الذکر ندارد. به عنوان نمونه در یک جلسه نشست قضایی در استان سمنان، شهرستان شاهرود، در تاریخ ۱۳۹۷/۰۷/۱۰، سؤالی بدین نحو مطرح گردیده است: «در صورتی که شخصی نسبت به موضوع ایراد صدمه بدنی عمدی دارای اثر شکایت نماید؛ (در شکایت خویش، به ایراد صدمه بدنی عمدی در حالتی اشاره نماید که دارای آثار بوده است)؛ اما در جریان رسیدگی به پرونده، گواهی پزشکی قانونی مبنی بر تحقق صدمات بدنی و نوع و میزان آن، از سوی شاکی ارائه نگردد؛ حال آن‌که اصل انجام ضرب و شتم از ناحیه مرتکب نسبت به شاکی محرز است؛ در چنین فرضی، آیا می‌توان مشتکی‌عنه را از باب بزه ایراد ضرب عمدی فاقد اثر (موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی) مورد تعقیب قرار داد؟» به جهت جلوگیری از اطاله کلام صرفاً پاسخ هیئت محترم عالی نشست قضایی مطرح می‌گردد که در پاسخ به سؤال مذکور بیان نموده‌اند: «وارد کردن ضربه عمدی به دیگری بدون این‌که اثری از ضربه در بدن بر جای بگذارد یا هل دادن او که موجب افتادن طرف مقابل به زمین شده بدون این‌که آسیبی به او وارد شود، مشمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲ است، اما با توجه به اوضاع و احوال قضیه و شخصیت طرف مقابل و محل و موقعیت وقوع جرم، چنانچه قصد مرتکب تحقیر و تخفیف طرف باشد و شاکی نیز از این حیث شکایتی داشته باشد، مطابق ماده واحده قانون استفساریه نسبت به کلمه اهانت، توهین و یا

هتک حرمت مندرج در مقررات جزایی مواد (۵۱۳)، (۵۱۴)، (۶۰۸) و (۶۰۹) قانون مجازات اسلامی و بندهای (۷) و (۸) ماده (۶) و مواد (۲۶) و (۲۷) قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ مشمول بزه توهین (ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵) خواهد بود.^۱ با کمی دقت نظر در پاسخ هیئت محترم، اختلاف نظر مذکور قابل لمس می‌باشد. اما آنچه در ابتدا از این نظر قابل درک بوده، شرطی است که هیئت محترم، بیان نموده که در صورتی که افراد از ایراد ضرب قصد تحقیر و تخفیف داشته باشند مورد از موارد شمول ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ می‌باشد و در صورتی که بدون چنین قصدی صورت یابد، از موارد شمول ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، حال این‌که چطور و چگونه این قصد و سوءنیت اثبات گردد نکته‌ای قابل تأمل است، لکن نظر مذکور از باب حل اختلاف در این خصوص دارای استدلال منطقی می‌باشد.

۳.۳. امکان تحقق تعدد معنوی (اعتباری)؛ فی‌مابین مواد ۶۰۸ و ۵۶۷ قانون

مجازات اسلامی

تعدد جرم، بنا به تعریف عبارت است از ارتکاب جرایم متعدد بدون آن‌که متهم برای اتهامات متعدد پیشین خود به محکومیت کیفری قطعی رسیده باشد؛ خواه جرایم متعدد در فواصل کوتاهی ارتکاب یافته باشد، چنان‌که زمان برای تعقیب متهم و محاکمه وی کافی نبوده، خواه متهم متواری باشد و یا جرایم او به دلایل گوناگون کشف نشده باشد. تعدد جرم

۱. برگرفته از:

از جهات تشدید مجازات می‌باشد. زیرا، عدالت و انصاف حکم می‌کند که مجازات کسی که یک بار مرتکب جرم شده و آن‌کس که چندین بار نظم جامعه را مختل ساخته، یکسان نباشد. تعدد جرم صور گوناگونی دارد. گاه شخصی مرتکب افعال یا ترک فعل‌های متعددی شده است که هر یک از آن‌ها جرم واحدی به شمار می‌آید، یعنی افعال مادی‌ای که هر یک وصف قانونی مستقلی دارند، در این صورت با فرض تعدد مادی (واقعی)، روبه‌رو هستیم. لکن در فرضی دیگر، فردی رفتار واحدی مرتکب شده است، اما رفتار او دارای عناوین متعدد جرم است، به عبارت دیگر رفتار واحد مشمول چند توصیف مجرمانه است، در این صورت ما با فرض تعدد معنوی (اعتباری)، مواجه خواهیم بود (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۶). حقوق‌دانان تعدد معنوی را چنین تعریف نموده‌اند: «چنان‌چه عمل مجرمانه واحد، از نظر مواد قوانین جزایی دارای عناوین مختلف باشد، تعدد اعتباری مصداق پیدا کرده است» (صانعی، ۱۳۸۲: ۷۶۹). برخی دیگر در تعریف مشابهی بیان داشته‌اند که «تعدد معنوی {شمول چند وصف جزایی بر فعل یا ترک فعل واحد است» (اردبیلی، ۱۳۹۳: ۱۷۹). در توضیح باید بیان نمود اصولاً یک رفتار مجرمانه دارای یک عنوان است و ناقض یک ماده از قانون مجازات، اما گاه استثنائاً با وجود این‌که رفتار واحد است، عناوین مجرمانه متعدد را در خود جمع می‌کند و ناقض چند ماده از قانون مجازات اسلامی است؛ به این حالت تعدد معنوی جرم گفته می‌شود. به عنوان نمونه رفتار شخصی که در تماس تلفنی به دیگری توهین می‌کند دارای دو عنوان مجرمانه توهین و مزاحمت تلفنی است (بسامی، ۱۳۹۸: ۷۱). قانون‌گذار کشور ما در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، در مقام بیان تعدد معنوی (اعتباری) در جرایم

تعزیری بوده‌اند؛ بدین توضیح که: «در جرایم موجب تعزیر هرگاه رفتار واحد، دارای عناوین مجرمانه متعدد باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم می‌شود». و اما در فرض محل بحث درخصوص امکان تحقق تعدد معنوی فی مابین مواد ۶۰۸ و ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی به ترتیب مصوب سال ۱۳۷۵ و ۱۳۹۲؛ باید بیان نمود که، در صورتی که از رفتار واحد مرتکب دو عنوان فوق مصداق پیدا کند بدین صورت که فردی از طریق سیلی زدن به شخص مقابل و یا هل دادن وی موجبات تحقیر و تحقیف ایشان را فراهم آورد؛ با عنایت به موارد مطروحه در این پژوهش و اطلاق ماده ۶۰۸ از قانون مذکور و همچنین کلی‌گویی ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی، از آن‌جا که تحقق بزه توهین نه در قوانین موضوعه و نه در رویه قضایی، مقید به سوءنیت خاص و قصد توهین نبوده است، علی‌هذا با فرض تحقق شرایط اعمال تعدد معنوی در دو فعل مذکور در نتیجه رفتار واحد ارتكابی، مانعی به جهت اعمال ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی در این فرض وجود نخواهد داشت و به تعبیر دیگر، در صورتی که از رفتار واحد مرتکب دو فعل مجزا تحقق یابد که هریک از آن دو (سیلی زدن به قصد تحقیر طرف مقابل)، در زمره مواد مطروحه باشند، اعمال مقررات مربوط به تعدد معنوی برای آن‌ها فاقد اشکال خواهد بود و با رعایت مفاد آن، صرفاً بایسته است مقررات بزه اشد اعمال گردد؛ که در فرض مذکور، با عنایت به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و همچنین با در نظر گرفتن بند ج از ماده ۱ قانون کاهش حبس تعزیری مصوب سال ۱۳۹۹، از آن‌جا که مجازات ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ درجه شش بوده و مجازات ماده ۵۶۷ قانون مجازات درجه هفت، لذا در مرحله صدور حکم و اجرا، صرفاً مفاد ماده

۶۰۸ قابلیت اعمال و اجرا را خواهد داشت.

نتیجه

با عنایت به موارد فوق‌الذکر و صرف‌نظر از صحت استدلال هریک از قائلین به دو نظر و همچنین صرف‌نظر از این‌که از باب تفسیر به نفع متهم، از آن‌جا که بزه موضوع ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، درجه هفت بوده و بزه موضوع ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵، درجه شش، که ارجحیت ماده ۵۶۷ را نمایان می‌سازد. به عقیده ما منشأ اصلی اختلاف نظر در این خصوص عدم ذکر استدلال صحیح، کامل و منطقی است. با نگرشی بر رأی فوق‌الذکر، که از سوی دادگاه محترم بدوی صادر گردیده است، این مهم نمایان است که ایشان بدون هیچ‌گونه استدلال قوی و منطقی مورد را از موارد شمول ماده ۶۰۸ دانسته‌اند. بدون شک با این روش قطعاً هر محکمه‌ای، مورد مذکور را رد می‌نماید. از طرفی آن‌چه که مسلم است این‌که، ماده واحده قانون استفساریه مصوب سال ۱۳۷۹ و ماده ۶۰۸ قانون مذکور، مکمل یکدیگرند و عدم ذکر هریک از آنان و همچنین عدم قید استدلال صحیح با عنایت به قانون استفساریه، موجب می‌شود که هریک از موارد مشابه ناصحیح تلقی گردد. علی‌هذا، با عنایت به استدلالی که در پژوهش حاضر بیان نمودیم، اولاً، قانون استفساریه مصوب سال ۱۳۷۹ در کنار و تکمیل‌کننده ماده ۶۰۸ قانون مجازات اسلامی (تعزیرات) مصوب سال ۱۳۷۵ می‌باشد و ثانیاً، بزه توهین، علاوه بر آن‌که از طریق استعمال الفاظ نیز محقق است، از طرق ارتکاب اعمال و رفتار عمدی مرتکبین نیز قابلیت تحقق را دارد، البته در صورتی که در استناد به این موضوع، استدلال کامل و دقیق نیز قید گردد.

اطلاق عبارات مطروحه در قانون استفساریه مصوب سال ۱۳۷۹ و همچنین رجوع به عرف حاکم بر جامعه، حاکی از این مدعا است. از طرفی دیگر ممکن است که به کلی گویی ماده ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲، استناد گردد و موارد مشابه نظیر سیلی زدن به افراد را مشمول این ماده تلقی نمایند. در پاسخ به این مدعا، برخی، راه حل این تعارض و اختلاف نظر را، تفکیک فی مابین قصد مرتکبین دانسته اند. بدین نحو که در صورتی که افراد از سیلی زدن به طرف مقابل قصد تحقیر و تخفیف آن را داشته باشند، می توان به ماده ۶۰۸ رجوع کرد و در صورتی که چنین قصدی محرز نگردد، بایسته است به ماده ۵۶۷ استناد گردد؛ به بیان دیگر ایشان بر این باورند که تحقق بزه توهین مقید به سوءنیت خاص و قصد توهین می باشد، لکن این امر علی رغم آن که ممکن است قائلینی داشته باشد اما در قوانین موضوعه و در رویه جاری محاکم موضعی نخواهد داشت. علی هذا، به نظر می رسد در صورتی که از رفتار واحد مرتکبین افعال گوناگونی تحقق یابد که در زمره مواد ۶۰۸ و ۵۶۷ قانون مجازات اسلامی قرار می گیرند (نظیر سیلی زدن به قصد تحقیر طرف مقابل)، با در نظر داشتن شرایط موجود در ماده ۱۳۱ قانون مجازات اسلامی، اعمال مقررات تعدد معنوی برای این امر مؤثر بوده و از طرفی با رعایت اعمال مجازات اشد، از این طریق می توان مجازات موجود در ماده ۶۰۸ را که شدیدتر بوده قابل اجرا دانست و بدین نحو استناد به این ماده را توجیه نمود.

منابع

- آقایی نیا، حسین (۱۳۹۶)، جرایم علیه اشخاص (شخصیت معنوی)، بنیاد حقوقی میزان: تهران.
- اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۳)، حقوق جزای عمومی، جلد ۳، بنیاد حقوقی میزان: تهران.
- بسامی، مسعود (۱۳۹۸)، «تحلیل تعدد معنوی جرم در حقوق کیفری ایران»، مجله پژوهش حقوق کیفری، سال هشتم، شماره ۲۹.
- یاد، ابراهیم (۱۳۴۸)، حقوق کیفری اختصاصی، انتشارات جنگل: تهران.
- صانعی، پرویز (۱۳۸۲)، حقوق جزای عمومی، نشر طرح نو: تهران.
- عمید، حسن (۱۳۶۳)، فرهنگ فارسی عمید، موسسه انتشارات امیر کبیر: تهران.
- میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۹۳)، جرایم علیه اشخاص، بنیاد حقوقی میزان: تهران.